



بازار طلا و ارز زیر سایه پول های مشکوک

تراکنش های مشکوک در بازار طلا و ارز، ضرورت حکمرانی پیشگیرانه ریال را پررنگ کرده است. بازار طلا و ارز در اقتصاد ایران نخستین واکنش دهنده به شوک های خارجی و انتظارات تورمی است، اما شواهد نشان می دهد شبکه پرداخت به کانال ورود وجوه غیرقانونی به این بازارها تبدیل شده و سودجویان و مجرمان از آن برای پول شویی و دامپ زدن به نوسانات سوء استفاده می کنند. ارقام چشمگیر تراکنش های مشکوک نشان می دهد این پدیده حاشیه ای نیست. در چنین شرایطی، بانک مرکزی باید با تقویت حکمرانی ریال، نظارت راز «کشف پس از وقوع» به «پیش بینی و پیشگیری» منتقل کند تا بازار طلا و ارز از بستر پول شویی دور بماند.

در اقتصاد ایران، نرخ طلا و ارز به عنوان دماسنج اقتصاد شناخته می شود و هنگامی که شوک های خارجی بر اقتصاد وارد می شود و انتظارات تورمی شدت می گیرد، این دو بازار نخستین واکنش را نشان می دهند، سپس این واکنش به سایر قیمت ها منتقل می شود. با این حال، شواهد اخیر نشان می دهد که این سازوکار انتقال، به طور نظام مند از سوی برخی سودجویان و حتی توسط جریان های مالی غیرقانونی نیز مورد بهره برداری قرار می گیرد. برخی فعالان بازار طلا و ارز با هدف سوداگری و کسب سود در شرایط تشدید شوک های خارجی، با کاهش عرضه و ایجاد هیجانات برای تقویت سمت تقاضا سعی می کنند که به نوسانات این بازارها دامن بزنند. حتی یک جنبه دیگر نیز وجود دارد، شواهد نشان می دهد که مجرمان نیز از طلا و ارز برای پول شویی و تأمین مالی فعالیت های مجرمانه سوء استفاده می کنند.

شواهد میدانی

یک نمونه، پرونده پول شویی در شهرستان میناب استان هرمزگان است. متهم با فعالیت در قاجاق کالای یارانه ای از نوع نفت گاز (گازوئیل)، بیش از ۱۱۴ میلیارد تومان پول شویی انجام داده که بخشی از آن در بازار طلا و ارز صورت گرفته است. در پرونده ای دیگر در کهگیلویه و بویر احمد، یک باند پنج نفره قبیضینگ و پول شویی با اجیر کردن افراد معتمد و تهیه دستگاه های کارتخوان، وجوه سرقتی راز خراب خرید طلا و مسکه در بازار یاسوج نظهر می کردند. ویژگی مشترک این پرونده ها آن است که شبکه پرداخت به عنوان کانال ورود وجوه غیرقانونی به بازار دارایی های مثل طلا و ارز عمل می کند که می تواند در نوسانات آن مؤثر باشد.

نفوذ وجوه غیرقانونی در بازار طلا و ارز پدیده ای گسترده

اهمیت این مسئله وقتی بیشتر آشکار می شود که به مقیاس آن توجه کنیم. در ماه های اخیر، رئیس مرکز اطلاعات مالی از اعمال محدودیت های بازدارنده برای ۵۷ شخص مظنون به پول شویی در حوزه ارز، طلا و فلزات گران بها با همکاری بانک مرکزی خبر داد.

در سطحی گسترده تر، چندی پیش خبری از مسدودسازی حساب بیش از ۲۵۰ فعال بازار طلا به دلیل تراکنش های مشکوک منتشر شد؛ اقدامی که در ازای چند پرونده حجمی بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان را در بر گرفته است. این ارقام به خودی خود نشان می دهد که نفوذ وجوه غیرقانونی به بازار طلا پدیده ای حاشیه ای نیست، بلکه گسترده است.

همچنین، بانک مرکزی در یک ماه گذشته پرونده ۲۷۱ نفر با حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان تراکنش مشکوک را برای پیگیری به مراجع قانونی ارجاع داده و درباره حساب های مظنون به پول شویی محدودیت های اعمال کرده است. در این زمینه حتی برای ۱۱ رئیس شعبه بانک نیز به دلیل انجام نشدن تکالیف قانونی، اقدام انضباطی صادر شده است.

حکمرانی ریال، کدیصلی حل مشکل

در حال حاضر نسبت اسکناس در گردش به حجم پول (M2) در ایران به حدود ۱۳ درصد کاهش یافته که یکی از پایین ترین سطوح جهانی است. این بدان معناست که این نظام پرداخت به درستی رصد شود، قابلیت مشاهده پذیری فعالیت های اقتصادی و پیش بینی رفتار فعالان اقتصادی آسان تر خواهد بود اما در عین حال اگر نظارت مناسب نباشد، به دلیل امکان انجام نقل و انتقالات مالی متنوع (مبالغ خرد تا تعداد بالا یا مبالغ بسیار زیاد) در زمان بسیار کم، مشکلات بسیار زیادی پدیدار خواهد شد. به همین دلیل باید در تقویت حکمرانی ریال به معنی بهره گیری حداکثری از ظرفیت اطلاعاتی و کنترل ریال در نظام پرداخت برای ارتقای حکمرانی کشور تمرکز شود.

تفکیک حساب های تجاری و شخصی

نخستین اقدام، نهادینه سازی تفکیک حساب های تجاری و شخصی است. بر اساس چارچوب مشترک بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی، اگر در حساب شخصی فردی در یک ماه بیش از تعداد مشخصی تراکنش ورودی با مجموع بیش از میزان مجاز ثبت شود، آن حساب تجاری تلقی می شود. منطق این آستانه آن است که فعالیت مالی شخصی عادی به ندرت به ترکیب بالاتر از حد فرایوانی و مبلغ تعیین شده می رسد؛ اما فعالیت تجاری، هنگامی که به حساب شفاف هدایت شود، جریان وجوه آن به طور خودکار در معرض رصد مالیاتی و ضد پولشویی قرار می گیرد. در این صورت با رصد فعالیت افراد در شبکه بانکی، حساب های مشکوک به تجاری بودن شناسایی شده و نسبت به تبدیل وضعیت آن ها به حساب تجاری اقدام می شود. این اقدام علاوه بر اینکه از فرار مالیاتی جلوگیری می کند، کار را برای شناسایی حساب های مشکوک به فعالیت های پول شویی و مجرمانه آسان تر می کند. در این صورت حساب های شخصی که بالاتر از محدوده مجاز نقل و انتقال مالی داشته اند به سرعت شناسایی و مسدود می شود.

جداسازی حساب های تجاری و ارائه خدمات انحصاری به فعالان بازار طلا

یک راهکار دیگر برای رصد و نظارت تراکنش های مربوط به حوزه ارز و طلا، ایجاد حساب تجاری و سیستم حسابداری مستقل برای فعالان رسمی بازار طلا و ارز است. به این صورت که تمام تراکنش های این حوزه به صورت شفاف انجام شود و قبل از انجام معامله طرف خریدار و فروشنده از طریق احراز هویت شناسایی شوند. ترویج استفاده از دستگاه کش لس و درخواست انتقال و وجه به جای استفاده از پوز در مراکز فروش طلا و ارز، نشان می دهد که بسیاری از تراکنش های این معاملات غیرشفاف است که جلوگیری از آن نیازمند ورود بانک مرکزی است.

استفاده از روش های نوین مدیریت نقدینگی

روش های نوینی از قبیل نشانه گذاری پول و پول رنگی در مدیریت نقدینگی، امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا مورد استفاده قرار گرفته است و حتی در رابطه با دارایی های مبتنی بر بلاک چین به یک قابلیت راهبردی تبدیل شده است. بانک مرکزی با ایجاد زیرساخت نشانه گذاری پول و پول رنگی در شبکه بانکی می تواند جریان نقدینگی را از مشتاقان در شبکه بانکی دنبال کند و در صورت منحرف شدن، اقدامات پیشگیرانه را در دستور کار قرار دهد. این روش در رصد تسهیلات کلان شبکه بانکی کاربرد زیادی دارد و به بانک مرکزی کمک می کند که از ورود تسهیلات و منابع در نظر گرفته شده برای تولید به فعالیت های غیرمولد جلوگیری کند.

گزارش

عبدالناصر همتی در دی ماه سال گذشته در حالی ریاست بانک

مرکزی را برای دومین بار برعهده گرفت که رشد نقدینگی ۴۰٫۹ درصد بود اما در دوره فعالیت وی رشد نقدینگی برای اولی بار از ۵۰ درصد عبور کرده است. درمادهاماسال رشد نقدینگی به بیش از ۵۴ درصد رسید که نسبت به شروع به کار همتی رشد بیش از ۱۳ واحد درصدی نشان می دهد. البته همتی هنوز به رکورد دوره قبلی مدیریت خود بر بانک مرکزی در دوره حسن روحانی نرسیده است. در آن مقطع همتی رشد نقدینگی را از ۲۱٫۹ درصد به ۳۹٫۴ درصد رسانده بود. اما ناگفته نماند که از لحاظ بالاترین رقم رشد نقدینگی، همتی در دوره ریاست خود بر بانک مرکزی رکورد زده چرا که این شاخص را به بیش از ۵۰ درصد رسانده است. یکی از مهم ترین شاخص های رازیابی سیاست پولی بانک مرکزی، نرخ رشد نقدینگی است؛ متغیری که افزایش شتاب آن، در کنار سایر عوامل، می تواند فشارهای تورمی و کاهش ارزش پول ملی را تشدید کند.

بررسی روند این شاخص در سال های اخیر نشان می دهد که مسیر رشد نقدینگی در دوره های مختلف رؤسای بانک مرکزی تفاوت محسوسی داشته و در مقطع اخیر، شتاب آن به سطوح کم سابقه ای رسیده است. براساس آمار بانک مرکزی، نرخ رشد دوازده ماهه نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۲ در دولت شهید رئیسی به ۲۴٫۳ درصد کاهش یافته بود. این رقم در پایان سال ۱۴۰۴ در دولت پزشکیان به حدود ۵۳ درصد رسید. به این ترتیب، طی دوسال نرخ رشد نقدینگی بیش از دو برابر شد.

اما اوج ماجرا در سال جاری رقم خورده است؛ به گونه ای که براساس داده های منتشرشده، رشد نقطه به نقطه نقدینگی در مرداد ۱۴۰۵ ۵۴٫۳ درصد رسیده؛ رقمی که بالاترین نرخ ثبت شده از ابتدای سال ۱۳۵۴ تاکنون محسوب می شود.

همتی:دودوره،دورکرد

نام عبدالناصر همتی در تاریخ نقدینگی ایران با دوره دو متفاوت گره خورده است. در دوره نخست ریاست او بر بانک مرکزی، یعنی از مرداد ۱۳۹۷ تا خرداد ۱۴۰۰، نرخ رشد نقدینگی از ۲۰٫۵ درصد به ۳۹٫۴ درصد رسید. به عبارت دیگر، در دوره حدود سه ساله نخست همتی، رشد نقدینگی نزدیک به ۱۹ واحد درصد افزایش یافت. اکنون در دوره دوم ریاست همتی، بار دیگر رشد نقدینگی شتاب گرفته است؛ با این تفاوت که این بار ارقام به مراتب بالاتر رسیده اند. رشد نقدینگی که در آذر ۴۰٫۹۱۴ درصد بود، در پایان سال ۱۴۰۴ به حدود ۵۳ درصد و در مرداد ۱۴۰۵ به ۵۴٫۳ درصد رسید. به این ترتیب، اگر دوره دوم همتی را از آذر ۱۴۰۴ بررسی کنیم، رشد نقدینگی حدود ۱۳٫۴ واحد درصد افزایش یافته است.

اهمیت عدد ۵۴٫۳ درصد فقط در مقایسه با عملکرد رؤسای بانک مرکزی نیست. برآوردهای منتشرشده همچنین حجم نقدینگی را در پایان سال ۱۴۰۴ حدود ۱۵ هزار و ۵۱۱ همت و در پایان مرداد ۱۴۰۵ حدود ۱۸ هزار و ۵۴۱ همت نشان می دهد. یعنی در پنج ماه نخست سال، حدود ۲۹۰ همت به حجم نقدینگی افزوده شده است. رشد نقدینگی به تنهایی مساوی با افزایش قیمت ها نیست؛ اما در اقتصاد ایران رابطه میان رشد کل های پولی و تورم یکی از موضوعات اصلی سیاست پولی است.

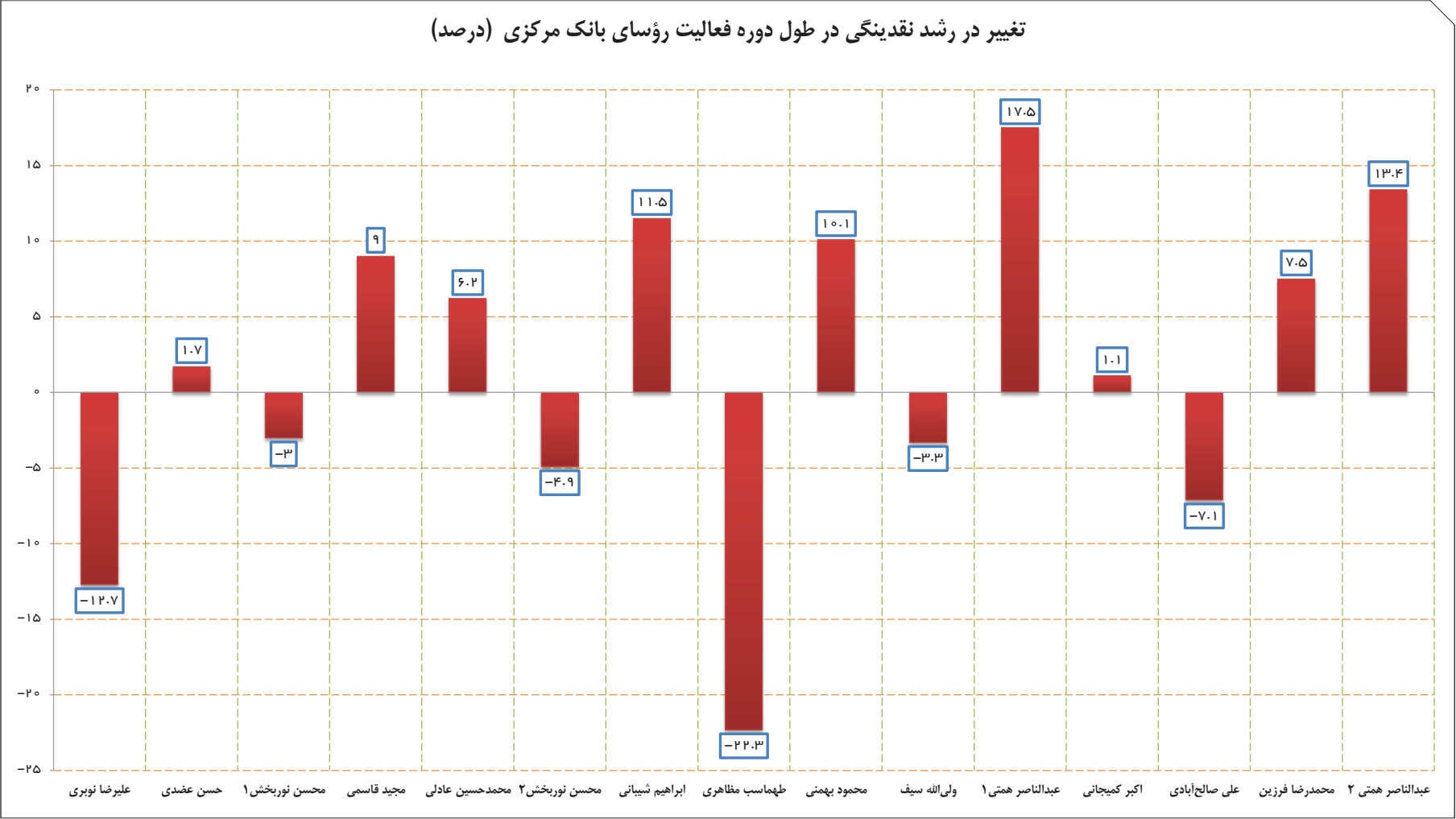
تبعات افزایش شتابان رشد نقدینگی در اقتصاد ایران

افزایش شتابان نقدینگی یکی از مهم ترین تهدید های ثبات اقتصادی در ایران است؛ پدیده ای که در صورت همراه نشدن با رشد واقعی تولید، می تواند به افزایش فشارهای تورمی، کاهش قدرت خرید خانوارها، تشدید نوسانات ارزی و افزایش نااطمینانی در بازارها منجر شود. رشد نقدینگی زمانی به مسئله ای جدی تبدیل می شود که جاسم پول وشیهول باسرتی بیشتر از ظرفیت جذب اقتصاد افزایش یابد و سیاستگذار نتواند میان منابع پولی، تولید و ثبات قیمت ها تعادل برقرار کند.

بررسی آثار این روند نشان می دهد که پیامدهای رشد نقدینگی نهاد در شاخص های پولی بانک مرکزی بازی نمی ماند، بلکه می تواند مستقیماً بر سفره مردم، هزینه تولید، بازار مسکن، سرمایه گذاری و اعتماد عمومی به سیاست های اقتصادی اثر بگذارد.

مقایسه عملکرد رؤسای بانک مرکزی در کنترل نقدینگی؛

رکورد تاریخی نقدینگی در دوره همتی



کسب و کار دسترسی دارند، ممکن است بخشی از کاهش ارزش پول با مستمری تأمین می شود، معمولاً با محدودیت بیشتری مواجه اند. بانک جهانی افزایش تورم در ایران را از عوامل مؤثر بر معیشت خانوارهای کم درآمد دانسته است و بر اثر نامتناسب تورم مواد غذایی و مسکن بر این گروه ها تأکید کرده است.

۹. تضعیف اعتبار سیاست پولی و افزایش انتظارات تورمی

وقتی مردم و بنگاه ها با افزایش مستمر نقدینگی و تورم مواجه می شوند، ممکن است انتظار داشته باشند که قیمت ها در آینده نیز افزایش یابد. این انتظارات می تواند رفتار اقتصادی را تغییر دهد:

- خرید و دستگاه کالاهای رایج جلوگیری از افزایش قیمت

- افزایش تقاضای ارز و طلا

- کاهش تعامل به نگهداری پول ملی

- درخواست افزایش دستمزد و قیمت گذاری پیش نگرانه

- دشوارتر شدن اجرای سیاست های ضد تورمی

در مطالعه صندوق بین المللی پول درباره عوامل تورم در ایران، بر اهمیت اصلاحات نهادی، کاهش سلطه مالی و تقویت استقلال عملیاتی بانک مرکزی برای مهار تورم و محدودیت های جدی تری مواجه شدن. انتظارات تورمی می تواند به عاملی تبدیل شود که حتی پیش از وقوع کامل افزایش نقدینگی یا هزینه ها، بر رفتار قیمت گذاری و تقاضای دارایی اثر بگذارد.

۱۰. کاهش اثر بخشی سیاست های کنترل تورم

هرچه رشد نقدینگی و ناترازی های مالی و بانکی بیشتر شود، بانک مرکزی محدود کردن اعتبار بانکی می تواند به کنترل رشد نقدینگی کمک کند، اما اگر بدون اصلاح ساختار تأمین مالی اجرا شود، ممکن است فشار بیشتری بر بنگاه های وابسته به تسهیلات وارد کند. صندوق بین المللی پول بر ضرورت اصلاح چارچوب سیاست پولی، تقویت تعهدات دارایی اثر بگذارد.

کنترل رشد نقدینگی - حفظ ثبات بازار ارز - تأمین مالی تولید - جلوگیری از بحران بانکی - مدیریت هزینه تأمین مالی دولت - حمایت از فعالیت اقتصادی

این اهداف همیشه به سادگی با یکدیگر سازگار نیستند. برای مثال، محدود کردن اعتبار بانکی می تواند به کنترل رشد نقدینگی کمک کند، اما اگر بدون اصلاح ساختار تأمین مالی اجرا شود، ممکن است فشار بیشتری بر بنگاه های وابسته به تسهیلات وارد کند. صندوق بین المللی پول بر ضرورت اصلاح چارچوب سیاست پولی، تقویت تعهدات دارایی اثر بگذارد.

راهکارهای کنترل تبعات نقدینگی

۱. اصلاح ناترازی بانک ها

ارزایی دارایی ها و مطالبات بانکی ها

تقویت سرمایه بانک های نیازمند اصلاح

بهبود نظارت بر خلق اعتبار

کاهش وابستگی بانک های ناسالم به منابع بانک مرکزی

۲. هماهنگی سیاست پولی و مالی

کسری بودجه ونحوه تأمین مالی آن می تواند بر رشد پایه پولی و نقدینگی اثر بگذارد. بنابراین کنترل پایدار نقدینگی بدون توجه به ساختار بودجه و تعهدات مالی دولت دشوار است.

صندوق بین المللی پول بر ضرورت کاهش سلطه مالی و تقویت چارچوب سیاست پولی در ایران تأکید کرده است.

۳. هدایت اعتبار به تولید

سیاست اعتباری باید به گونه ای طراحی شود که منابع بانکی به سمت فعالیت های دارای بازده واقعی و ظرفیت اشتغال هدایت شوند، نه صرفاً افزایش حجم تسهیلات.

۴. تقویت استقلال و ابزارهای بانک مرکزی

بانک مرکزی برای کنترل تورم به ابزارهای مؤثر در مدیریت نرخ سود، عملیات بازار باز، نقدینگی بین بانکی و نظارت بانکی نیاز دارد. چارچوب های سیاست پولی و کیفیت اجرای آن ها در اثربخشی کنترل تورم مؤثر است. افزایش هزینه های جایگزین منتقل شود. صندوق بین المللی همراهی با رشد نقدینگی، بر ضرورت کاهش هزینه ها، تضعیف سرمایه گذاری اجتماعی را ایجاد کند؛ از افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم تا تشدید نوسانات ارزی. افزایش قیمت دارایی ها، تضعیف سرمایه گذاری و افزایش فشار بر نظام بانکی.

با این حال، تحلیل مسئولانه این پدیده مستلزم تفکیک میان رشد نقدینگی، رشد پایه پولی، خلق اعتبار بانکی و عوامل مستقل تورم است. همچنین برای ارزیابی عملکرد بانک مرکزی، باید آمارهای تعریف، دوره های زمانی یکسان و نقش شرایط بودجه ای و اقتصادی هر دوره را در نظر گرفت.

تبعات رشد شتابان نقدینگی

پیامد	سازوکار اقتصادی	اثر احتمالی
تورم	رشد پول سریع تر از ظرفیت عرضه	افزایش سطح عمومی قیمت ها
کاهش قدرت خرید	افزایش قیمت ها بیش از درآمد واقعی	افت رفاه خانوار
نوسان ارز	افزایش تقاضای دارایی و فشار انتظاری	تضعیف پول ملی
ناترازی بانکی	رشد اعتبارات و ضعف ترانزانه	افزایش ریسک مالی
کاهش سرمایه گذاری	نااطمینانی و افزایش هزینه ها	تضعیف رشد تولید
افزایش نابرابری	تفاوت دسترسی به دارایی های ضد تورمی	افزایش شکاف ثروت
کاهش اثربخشی سیاست پولی	افزایش محدودیت های سیاستگذار	دشووارتر شدن مهار تورم

۱. تورم: نخستین پیامد افزایش شتابان نقدینگی

مهم ترین نگرانی درباره رشد سریع نقدینگی، اثر آن بر سطح عمومی قیمت هاست. زمانی که نقدینگی با سرعتی بالا افزایش یابد، اما تولید کالا و خدمات متناسب با آن رشد نکنند، فشار تقاضا و افزایش هزینه های تولید می تواند به افزایش قیمت ها منجر شود.

البته رابطه نقدینگی و تورم مکانیکی و فوری نیست. رشد نقدینگی یکی از عوامل تورم است، نه تنها عامل آن. نرخ ارز، کسری بودجه، انتظارات تورمی، تحولات هزینه تولید، محدودیت های عرضه و شرایط خارجی نیز در شکل گیری تورم نقش دارند.

در اقتصاد ایران، اهمیت این موضوع به دلیل وجود ناترازی های مالی و بانکی، وابستگی بخشی از تولید به واردات و حساسیت قیمت ها به نرخ ارز بیش تر می شود.

۲. کاهش قدرت خرید و کوچک شدن سفره خانوارها

افزایش نقدینگی در شرایط تورمی، یکی از مهم ترین مسیرهای انتقال فشار اقتصادی به خانوارهاست. اگر قیمت کالاها و خدمات سریع تر از درآمد واقعی مردم افزایش یابد، قدرت خرید دستمزد ها کاهش پیدا می کند.

- پیامدهای مستقیم برای مردم

- افزایش هزینه تأمین مواد غذایی و کالاهای ضروری

- کاهش توان سپ انداز خانوارها

- افزایش سهم مسکن، خوراک و درمان از بودجه خانواده

- کاهش مصرف کالاهای بادوام و خدمات غیر ضروری

- افزایش فشار بر دهک های کم درآمد

بانک جهانی در گزارش های مربوط به اقتصاد ایران تأکید کرده است که تورم بالای مواد غذایی و مسکن، اثر نامتناسبی بر خانوارهای کم درآمد دارد؛ زیرا این گروه ها سهم بیشتری از درآمد خود را صرف نیازهای ضروری می کنند. در یک گزارش بانک جهانی، سهم خوراک و مسکن در سبد مصرفی ۴۰ درصد پایین تر آمدی، بیش از سهم آن در سید دهک پردرآمد.

نتیجه اجتماعی: حتی اگر درآمد اسمی افزایش یابد، رشد سریع تر رشد نقدینگی می تواند باعث شود خانوارها با درآمد بیشتر، کالا و خدمات کمتری خریداری کنند.

۳. تشدید نوسانات ارزی و تضعیف ارزش پول ملی

رشد نقدینگی می تواند از طریق افزایش تقاضا برای دارایی های خارجی، از جمله ارز فشار بر بازار ارز ایجاد کند؛ به ویژه زمانی که اعتماد به ثبات پول ملی کاهش یافته باشد. در چنین شرایطی، بخشی از نقدینگی به جای ورود به فعالیت های مولد، به سمت بازارهایی مانند ارز، طلا و مسکن حرکت می کند. این رفتار می تواند به افزایش تقاضای سفته پازانه و نوسان قیمت دارایی ها منجر شود. البته افزایش نرخ ارز فقط به نقدینگی وابسته نیست و عواملی مانند محدودیت دسترسی به ارز، تحریم ها، انتظارات تورمی، تراز پرداخت ها و سیاست های ارزی نیز مؤثرند.

بانک جهانی در گزارش پاییز ۲۰۱۸ درباره ایران، رشد نقدینگی بالا را در کنار محدودیت روابط بانکی و عوامل خارجی، از عوامل فشار بر بازار مواز ارز دانسته و کاهش ارزش ریال را با افزایش قیمت ها مرتبط کرده است.

بسیاری از بنگاه ها با هزینه های بالای تأمین مالی، نوسان ارز و محدودیت واردات مواجه اند، تورم می تواند برنامه ریزی تولید را دشوارتر کند.

اثرات بر بنگاه ها

۱. افزایش هزینه خرید مواد اولیه و تجهیزات

۲. دشوار شدن تعیین قیمت فروش و قراردادهای بلندمدت

۳. افزایش نیاز سرمایه در گردش

۴. کاهش امکان برنامه ریزی برای سرمایه گذاری

این روند اصلاً صحیح نیست، محرمی نمین تصریح کرد: حقوق مستأجر کاملاً مشخص است و مستأجر طی یک سال حق انتفاع از ملک را دارد، اما بیشتر از آن دیگر حق قانونی مستأجر نیست: در روز پایان مدت اجاره، طبق متن صریح قرارداد اجاره، هم‌زمان با تخلیه ملک باید ودیعه مستأجر نیز به وی پرداخت شود و ملک تخلیه شود. آن روز قرارداد تمام‌شد و حق قانونی مستأجر نیز تارو ز پایانی همان قرارداد است. وی افزود: پس از پایان مدت قرارداد، موضوع به حق مالکیت مالک مربوط می شود. دولت تا حدی از اختیارات خود استفاده کرده و حق قانونی مالک را محدود کرده است، اما واقعیت و قانون این است که نمی‌توانیم حق مسلم مالکیت یک شخص را از او بگیریم.

هشدار درباره اثر معکوس سقف ۲۵ درصدی اجاره

نایب‌رئیس اتحادیه املاک در ادامه با اشاره به نقش مشاوران املاک در اجرای مصوبه افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها گفت: نکته بسیار مهم این است که اجارایی شدن این مصوبه به دست مشاوران املاک دارای مجوز، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مشاوران املاک به اطلاعات اجاره سال قبل آن ملک دسترسی داشته باشند. وی یادآور شد: اکنون در سامانه‌های کاتب و خودنویس، گزینه‌ای تحت عنوان تمدید اجاره وجود ندارد و زمانی که قرارداد اجاره تمام می‌شود، باید قرارداد جدید نوشته شود. این موضوع را نیز از ابتدا به سامانه مربوطه اعلام کرده ایم.

مشاوران املاک «علم غیب» ندارند؛ ضرورت دسترسی به سابقه اجاره ملک

محرمی نمین بیان کرد: اکنون همه جا گفته می‌شود که مشاوران املاک باید دقت کنند کسی بیش از ۲۵ درصد افزایش اجاره‌بها نداشته باشد، اما باید توجه داشت که مشاوران املاک علم غیب ندارند. حتماً باید در سامانه کاتب و خودنویس، زمانی که قراردادها ثبت می‌شوند، با وارد کردن کد پستی، اجاره‌های قبلی آن ملک نیز برای مشاور املاک نمایش داده شود تا مشخص باشد مالک در سال گذشته و سال‌های قبل، ملک خود را به چه میزان اجاره‌بهایی واگذار کرده است.

مشاوران املاک ابزار لازم برای نظارت را ندارند

وی گفت: وقتی همه فرآیندها سامانه‌ای است، مشاور املاک باید بتواند به اطلاعات قراردادهای قبلی دسترسی داشته باشد تا بتواند در سال جاری کمک کند که افزایش اجاره‌بها بیش از ۲۵ درصد نباشد.

نایب‌رئیس اتحادیه املاک تأکید کرد: در غیراین صورت، مشاوران املاک علم غیب ندارم که بداند مالک در سال گذشته ملک خود را با چه میزان اجاره‌بهایی واگذار کرده است. بنابراین مشاوران املاک به یک رزومه از وضعیت اجاره‌آن ملک نیاز دارند تا همیار دولت در اجرای صحیح این مصوبه باشند.

دولت برای اجرای سقف اجاره به

مشاوران املاک نیاز دارد

وی ادامه داد: دولت برای اجرای این مصوبه به یک بازو احتیاج دارد و این بازو می‌تواند مشاوران املاک باشند، اما به شرطی که ابزار لازم‌را در اختیار داشته باشند؛ اگر ابزار لازم در اختیار مشاور املاک قرار گیرد وی به اجاره‌نامه‌های قبلی ملک دسترسی داشته باشد، می‌تواند در اجرای مصوبه نقش مؤثری ایفا کند. محرمی نمین در پایان خاطرنشان کرد: در این صورت، اتحادیه مشاوران املاک نیز می‌تواند بر فرآیند اجرای مصوبه نظارت کند تا در هیچ قراردادی افزایش اجاره‌بها بیش از عدد موردنظر دولت ثبت نشود.

افزایش نرخ ۲۵ درصدی در

مناطق یک تا سه تهران نیز

موجب افزایش چشمگیر

نرخ اجاره شد. دولت با این

مصوبه هم برای مناطق

پایین تهران و هم مناطق

بالای تهران لنگر قیمتی

ایجاد کرد، در حالی که در

بسیاری از مناطق نباید

اصلاً چنین افزایش نرخ

اجاره‌بهایی رخ می‌داد



ابهام در اجرای سقف ۲۵ درصدی اجاره‌بها

گزارش

ابهام در اجرای سقف ۲۵ درصدی اجاره‌بها، اختلاف میان موجر و مستأجر را تشدید کرده و به گفته نایب‌رئیس اتحادیه املاک، در مواردی مسیر مذاکره میان مالک و مستأجر را به دادگاه‌ها کشانده است.

در پی شبهات ایجادشده درباره اجرای مصوبه افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها و تمدید خودکار یک‌ساله قراردادهای اجاره در صورت درخواست مستأجر، یکی از مستأجران در تماس با خبرنگار مهر مدعی شده است که پس از پایان قرارداد، از مالک درخواست کرده قرارداد را با رعایت سقف ۲۵ درصدی افزایش اجاره‌بها تمدید شود، اما مالک با این درخواست موافقت نکرده و در فاصله کوتاهی حکم تخلیه ملک صادر شده است.

در این مصوبه، چهار بند برای امکان صدور حکم تخلیه از سوی مالکان در نظر گرفته شده است. با این حال، طرح این موارد این پرسش را ایجاد می‌کند که مصوبه تعیین سقف ۲۵ درصدی افزایش اجاره‌بها در عمل تا چه اندازه می‌تواند امنیت سکونت مستأجران را تضمین کند.

مصوبه به کنار حمایت از مستأجر، چهار استثنائت نیز برای خروج ملک از شمول تمدید قرارداد در نظر گرفته‌است و در صورت احراز شرایط این استثنائها، امکان رسیدگی قضایی به درخواست تخلیه وجود خواهد داشت.

سقف ۲۵ درصدی اجاره چه بلایی سر باز را مسکن آورد؟

در همین راستا، سمانه محرمی نمین، نایب‌رئیس اتحادیه املاک در گفتگو با خبرنگار مهر درباره کلیات این مصوبه و میزان ضمانت آن برای امنیت سکونت مستأجران، با بیان اینکه مصوبه افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها، موجر و مستأجر را از پای می‌زداگره و تعامل به راهروهای دادگاه‌ها کشانده است، گفت: با اجرای دستوروی این مصوبه، اختلافات و مشکلات بین موجر و مستأجر افزایش یافته است، زیرا تعاملات دو طرف از بین رفته است. پیش از این، مالک با توجه به میزان توان مستأجر برای افزایش و پرداخت اجاره‌بها

اخبار



معاملات مسکن در سطح پایینی قرارداد

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران با اشاره به تداوم رکود در بازار مسکن گفت: گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد سطح قراردادهای خرید و فروش همچنان پایین است و در نیمه دوم سال نیز، در صورت نبود اتفاق خاص، انتظار تغییر محسوسی در بازار نداریم.

مسکن در سال ۱۴۰۵ اظهار کرد: بازار مسکن از دوران کرونا با رکود مواجه بوده و شرایط تنظیم قرارداد برای مشاوران املاک نیز به همین دلیل دشوار شده است. وی افزود: در ابتدای سال ۱۴۰۵ شرایط بازار تا حدودی رو به بهبود بود، چراکه بازار در حال ارزیابی خود نسبت به سال گذشته بود و اعتماد نسبی نیز در جامعه در حال شکل‌گیری بود، اما با توجه به جنگ‌هایی که به کشور تحمیل شد، شرایط مجدداً به سمت رکود رفت و سطح تنظیم قرارداده‌ها کاهش یافت. گودرزی با بیان اینکه اتحادیه مشاوران املاک دسترسی کاملی به سامانه‌های مربوط به معاملات ندارد، گفت: در حال حاضر امکان بررسی دقیق میزان تراکم قرارداده‌ها در مناطق مختلف و همچنین اینکه قیمت‌ها در معاملات واقعی با چه ارقامی تنظیم شده‌اند، برای ما وجود ندارد، اما گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد سطح قراردادها بسیار پایین است.

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران ادامه داد: با‌رها اعلام کرده‌ایم که تصور ما این است که در نیمه دوم سال نیز، اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، با توجه به افزایش قیمت‌ها در حوزه اقتصاد مسکن، شاهد تغییر آن چنانی در بازار نخواهیم بود. وی درباره وضعیت بازار اجاره مسکن نیز اظهار کرد: خوشبختانه شرایط حساس مربوط به بازار اجاره را پشت سر گذاشته‌ایم و با توجه به اینکه امروز ۱۵ شهریورماه است، می‌توان گفت بخش عمده‌ای از مستأجران با توجه به مقررات تعیین‌شده، قراردادهای خود را تنظیم کرده و در واحدهای مسکونی مستقر شده‌اند. گودرزی افزود: بر اساس گزارش‌های میدانی، حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد موارد، سقف افزایش ۲۵ درصدی اجاره‌بها نسبت به سال گذشته رعایت شده‌است و خوشبختانه مستأجران نیز توانسته‌اند در شرایط موجود قراردادهای خود را تمدید یا با واحد مسکونی جدیدی را اجاره کنند.

وی درباره نحوه نظارت بر رعایت سقف اجاره‌بها گفت: در شرایط جدید، بسیاری از مالکان در سال جاری با توجه به وضعیت حساس کشور، نوعی همبستگی و همراهی با مستأجران داشتند و خوشبختانه موارد زیادی از رعایت سقف تعیین‌شده در قراردادها مشاهده شده است.

رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران ادامه داد: گزارش‌های میدانی ما نشان می‌دهد بسیاری از قرارداده‌ها به‌صورت تمدید شده و مشاوران املاک نیز در مواردی که قرارداد جدید تنظیم شده، مقررات مربوطه را رعایت کرده‌اند.

گودرزی تصریح کرد: البته نمی‌توان به‌صورت مطلق اعلام کرد که در هیچ موردی تخلیه صورت نگرفته‌است، اما قانون در این زمینه شرایط مشخصی را برای مستأجران در نظر گرفته است. بر اساس مقررات مربوط به اجاره مسکن، مستأجر حتی پس از گذشت پنج سال از زمان تنظیم قرارداد نیز می‌تواند در صورت وجود ادعا یا تخلف، موضوع را از طریق مراجع قضایی یا تعزیرات پیگیری و شکایت خود را مطرح کند. وی تأکید کرد: با این حال، بعدی می‌دانم موارد قابل توجهی در این زمینه ایجاد شود، چراکه تلاش شده و خود جامعه نیز همکاران کرده‌است تا مقررات مربوط به سقف افزایش اجاره‌بها رعایت نشود. رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران در پاسخ به پرسشی درباره چشم‌انداز بازار مسکن در نیمه دوم سال و اینکه آیا مردم دارای سرمایه باید به سمت خرید ملک یا زمین حرکت کنند، اظهار کرد: در شرایط فعلی نمی‌توان توصیه مشخصی برای ورود مردم به بازار مسکن یا خرید ملک و زمین ارائه کرد و باید شرایط اقتصادی و تحولات بازار را در نظر گرفت.

وی افزود: در حال حاضر برخی کارشناسان از احتمال افزایش قیمت مسکن صحبت می‌کنند، اما وضعیت بازار معاملات نشان می‌دهد که در کنار افزایش قیمت‌ها، سطح قراردادها همچنان پایین است و در صورت نبود اتفاق خاص، انتظار تغییر محسوسی در روند معاملات نیمه دوم سال نداریم.

سه دروازه ایران برای تاب‌آوری تجارت خارجی

در شرایط اختلال در برخی مسیرهای تجاری، توسعه گزینه‌های جایگزین به یک ضرورت لجستیکی تبدیل شده که آستارا، بندر گاسپین و مکران در خط مقدم تاب‌آوری تجارت خارجی کشور هستند.

در شرایطی که فشار تحریم‌ها و اختلال در برخی مسیرهای تجاری، جابه‌جایی کالا را با چالش مواجه کرده، فعالان بخش خصوصی معتقدند مدیریت لجستیک کشور باید از الگوی شرایط عادی فاصله گرفته و برای تداوم تجارت در شرایط جنگ اقتصادی، مسیرهای جایگزین و مکمل را توسعه دهد؛ مسیری که آستارا و بندر گاسپین می‌توانند بخشی از آن باشند. پیمان سندی جی، رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی تهران، با تأکید بر اینکه زنجیره لجستیک کشور با وجود فشارهای تحریمی همچنان پویاست، می‌گوید لجستیک صرفاً به معنای حمل‌ونقل نیست، بلکه یک زنجیره به‌هم‌پیوسته است که باید به صورت یکپارچه دیده شود. به گفته وی، ایران از شبکه حمل‌ونقل برخوردار است، اما چالش‌های موجود در مرزها و محدودیت‌های ناشی از تحریم، جابه‌جایی ران کالا را دشوار کرده است. سندی جی با اشاره به مرزهای دریایی و زمینی، از جمله بازرگان و ریمدان، تأکید می‌کند که محدودیت در برخی مسیرها به معنای بن‌بست نیست و بخش خصوصی با شناسایی مسیرهای جایگزین تلاش می‌کند جریان کالا متوقف نشود. رئیس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق تهران همچنین یکی از مشکلات فعلی را ضعف اتصال‌های ریلی می‌داند و معتقد است اگر در سال‌های گذشته برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای اتصال‌های ریلی و بهره‌برداری از آن انجام می‌شد، امروز فشار کمتری بر شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و مرزهای کشور وارد می‌شد. سندی جی در عین حال بر نقش بخش خصوصی در تداوم جریان کالا تأکید کرده و می‌گوید شرکت‌های خصوصی با تمام توان در حال فعالیت هستند و در صورت نبود این ظرفیت، مشکلات بیشتری در تأمین کالا و معیشت جامعه ایجاد می‌شد؛ با این حال، ادامه این مسیر نیازمند حمایت جدی حاکمیت است. وی رفع موانع اداری، حل چالش‌های مالیاتی و تسهیل مقررات بیمه‌ای را از مهم‌ترین مطالبات بخش خصوصی عنوان می‌کند و معتقد است کاهش این موانع می‌تواند ظرفیت لجستیک کشور برای عبور از شرایط سخت را افزایش دهد. در این میان، توسعه مسیرهای شمالی می‌تواند یکی از راهکارهای تنوع بخشی به شبکه تجارت خارجی ایران باشد. آستارا به دلیل اتصال ایران به جمهوری آذربایجان، قفقاز و مسیرهای منتهی به روسیه، ظرفیت مهمی برای ایفای نقش در این شبکه دارد.

مقاومت اوکراین برابر روسیه علیرغم خسارت

۱۹۵ میلیارد دلاری، باید درس مقاومت به جریان غرب‌گرای داخل ایران باشد. جنگ روسیه و اوکراین را می‌توان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های معاصر برای بررسی نسبت میان «مقاومت» و «اقتصاد» و «هزینه‌های جنگ» دانست؛ جنگی که طی آن بخش قابل‌توجهی از زیرساخت‌های اقتصادی اوکراین از انرژی و راه‌آهن و بندر گرفته تا مسکن، صنعت و کشاورزی آسیب‌دیده و صدها میلیارد دلار منابع برای ایسازی این کشور مورد نیاز است. با این حال، روایات غالب بخش قابل‌توجهی از جریان سیاسی و رسانه‌ای غرب در خارج و حتی داخل کشور ما، در قبال اوکراین، لزوماً این نبوده که به دلیل هزینه‌های اقتصادی باید از ایستادگی در برابر روسیه صرف‌نظر کرد؛ بلکه مقاومت اوکراین، حتی در شرایطی که اقتصاد این کشور با کسری بودجه، افزایش بدهی، کاهش تولید و تخریب زیرساخت‌ها مواجه بوده، به‌عنوان دفاع از حاکمیت ملی و ایستادگی در برابر فشار خارجی مورد حمایت قرار گرفته است. اکنون همین تجربه یک پرسش مهم را پیش روی فضای سیاسی و اقتصادی ایران قرار می‌دهد: اگر هزینه‌های سنگین اقتصادی جنگ و تحریم، در مورد اوکراین به‌عنوان بخشی از هزینه دفاع از حاکمیت ملی پذیرفته می‌شود، چرا در مواجهه با ایران، افزایش هزینه‌های اقتصادی به‌عنوان دلیلی برای ناکارآمدی یا پایان یافتن «مقاومت» مطرح می‌شود؟ این گزارش ابتدا با تکیه بر آمار بانک جهانی، سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و مؤسسات پژوهشی، تصویری از آنچه جنگ بر زیرساخت و اقتصاد اوکراین تحمیل کرده ارائه می‌دهد و سپس این پرسش را بررسی می‌کند که آیا می‌توان میان «هزینه اقتصادی مقاومت» و «پی‌فایده بودن مقاومت» یکی را به جای دیگری نشان داد و چرا تجربه اوکراین می‌تواند برای بحث درباره الگوی مواجهه ایران با فشار خارجی قابل تأمل باشد. بر اساس تازه‌ترین ارزیابی مؤسسه Kyiv School of Economics (KSE)، مجموع خسارت مستقیم وارده‌شده به املاک، زیرساخت‌ها، وسایل نقلیه و موجودی‌های اوکراین از زمان آغاز تهاجم تمام‌عبار روسیه تا فوریه ۲۰۲۴، ۱۹۷،۵ میلیارد دلار رسیده است.

مسکن ۶۰۰ میلیارد دلار خسارت

بخش مسکن با ۶۵،۹ میلیارد دلار، بزرگ‌ترین سهم از خسارت‌های مستقیم زمین نیز از دیگر بخش‌های مهم اقتصاد اوکراین است، چراکه آسیب‌دیده یا تخریب‌شده‌های ۱۸،۴ میلیارد دلار، بازورد کرده است. بر اساس این ارزیابی، دارایی حدود ۱۷ هزار و ۶۰۰ بنگاه اقتصادی آسیب‌دیده یا تخریب‌شده است. این مجموعه شامل حدود ۱۰۰ شرکت بزرگ و متوسط خصوصی، حدود ۱۲ هزار بنگاه کوچک و کارآفرین و حدود ۵۰۰ شرکت دولتی است. بخش متالورژی نیز از جمله حوزه‌هایی است که خسارت قابل توجهی متحمل شده و برخی مجموعه‌های بزرگ صنعتی در جریان جنگ تخریب شده‌اند.

مصوبه افزایش ۲۵ درصدی اجاره چه

بلایی سر باز را مسکن آورد؟

نایب‌رئیس اتحادیه املاک تأکید کرد: آنچه موجب شکست این

مصوبه می‌شود، این است که مردم را از پای می‌زداگره و تعامل به راهروهای دادگاه کشانده ایم. آیا این کار صحیحی است؟

وی با اشاره به تغییر زمان جابه‌جایی مستأجران افزود: فصل اجاره و جابه‌جایی مستأجران تغییر کرده و این جابه‌جایی از مرداد و شهریور به آذر و دی‌ماه، یعنی فصل امتحانات فرزندان آنها، منتقل شده است که

مالکان حاضرند مالیات خانه خالی بدهند اما اجاره ندهند

وی یادآور شد: هم‌اکنون برخی از مستأجران در چهار بند مصوبه قرار نمی‌گیرند و موجر نمی‌تواند برای آنها حکم تخلیه بگیرد، اما سال آینده نیز ممکن است موجر ملک خود را از گردونه بازار اجاره‌بها خارج کند. این مسئله بسیار مهم است و نباید نادیده گرفته شود. نایب‌رئیس اتحادیه املاک با بیان اینکه دولت به جای پیشبرد سازوکار تشویقی، رویکرد دستوری را در پیش گرفته است، اظهار کرد: نکته اصلی اینجاست که پیش از این، بازار اجاره مسیر درست خود را بر اساس عرضه و تقاضای می‌کرد.



انرژی: ۱۸،۳ میلیارد دلار خسارت

بخش انرژی یکی دیگر از محورهای اصلی خسارت‌های مستقیم جنگ در اوکراین است. بر اساس بازورد KSE، خسارت وارده‌شده به زیرساخت‌های انرژی به ۱۸،۳ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به ارزیابی قبلی ۲۵ درصد افزایش دارد. این رقم شامل خسارت به ظرفیت تولید برق، شبکه‌های انتقال و توزیع، زیرساخت گاز، ذخایر نفت و فرآورده‌های نفتی، معادن زغال‌سنگ و سامانه‌های گرمایش شهری است. در مجموع، خسارت بخش برق حدود ۱۴،۶ میلیارد دلار و خسارت بخش نفت و گاز حدود ۲ میلیارد دلار برآورد شده است. حملات به زیرساخت انرژی همچنین آثار خود را بر فعالیت اقتصادی و خدمات عمومی گذاشته است، چراکه آسیب به شبکه تولید و انتقال انرژی می‌تواند هم‌زمان فعالیت صنایع، خدمات شهری و زندگی خانوارها را تحت تأثیر قرار دهد.

کشاورزی: بیش از ۲ میلیارد دلار خسارت

بخش کشاورزی و منابع زمین نیز از دیگر بخش‌های مهم اقتصاد اوکراین است که خسارت سنگینی متحمل شده است. KSE میزان خسارت این بخش را حدود ۱۲،۱ میلیارد دلار برآورد کرده است. بیشترین سهم این خسارت مربوط به ماشین‌آلات کشاورزی است که بیش از ۷،۱ میلیارد دلار برآورد شده است.

همچنین خسارت وارده‌شده به تأسیسات ذخیره غلات بیش از ۲ میلیارد دلار و ارزش محصولات کشاورزی تخریب یا سرقت‌شده نزدیک به ۱،۹ میلیارد دلار اعلام شده است. آسیب به ماشین‌آلات، انبارها و سایر زیرساخت‌های

حدود ۲۰ درصد پایین‌تر سطح پیش از جنگ بوده است. در ارزیابی جدیدتر IMF در ژوئیه ۲۰۲۴ نیز آمده است که رشد اقتصادی اوکراین در سال ۲۰۲۴ به دلیل آثار جنگ و حملات به زیرساخت‌های حیاتی با محدودیت مواجه شده است. IMF رشد واقعی اقتصاد را برای سال ۲۰۲۴ حدود ۱،۶۱ درصد پیش‌بینی کرده است. حتی در سه‌ماهه نخست ۲۰۲۴، بر اساس گزارش IMF، اقتصاد اوکراین ۰،۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کوچک‌تر شده و حملات به زیرساخت‌های انرژی و لجستیک از عوامل آن بوده‌اند. از سوی دیگر، شکاف مالی خارجی اوکراین برای سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۹، ۲۰۲۴ در سناریوی پایه IMF حدود ۱۴۰،۳ میلیارد دلار برآورد شده است. این داده‌ها نکته مهم را روشن می‌کند:

اوکراین در شرایطی که هزینه‌های اقتصادی جنگ بسیار سنگین است، راهبرد خود را صرفاً بر مبنای محاسبه کوتاه‌مدت هزینه‌های جنگ تعریف نکرده است. اوکراین در شرایطی که هزینه‌های اقتصادی جنگ بسیار پرهیز کرد، مقاومت اوکراین فقط محصول تصمیمات داخلی دولت زلنسکی نیست. IMF تصریح می‌کند که ثبات اقتصادی اوکراین در سال‌های جنگ به ترکیبی از سیاست‌گذاری داخلی، حمایت خارجی گسترده و برنامه‌های مالی بین‌المللی متکی بوده است. از اینجا می‌توان به پرسش اصلی گزارش رسید: اگر در تحلیل‌های سیاسی جریان‌های غرب‌گرای داخلی، ایستادگی اوکراین در برابر روسیه با وجود هزینه‌های سنگین انسانی، اقتصادی و زیرساختی به‌عنوان نشانه‌ای از «حفظ استقلال»، «دفاع از منافع ملی» یا «ایستادگی در برابر فشار خارجی» مورد تمجید قرار می‌گیرد، چرا هنگامی که همین مفهوم در مورد ایران مطرح می‌شود، نخستین استدلال منتقدان مقاومت، هزینه اقتصادی آن است؟ این پرسش، پرسشی درباره دو معیار متفاوت برای ارزیابی یک مفهوم واحد است. اوکراین طی چهار سال جنگ با روسیه نه تنها با خسارت ۱۹۷،۵ میلیارد دلاری زیرساختی مواجه شده، بلکه برای حفظ اقتصاد خود همچنان به حمایت مالی خارجی نیاز دارد؛ با این حال، نهادهای غربی از جمله IMF سیاست خود را بر این مبنا تنظیم نکرده‌اند که چون جنگ هزینه اقتصادی دارد، بنابراین اوکراین باید برای کاهش هزینه اقتصادی، از مقاومت نظامی و سیاسی خود صرف‌نظر کند.



فصل تازه تجارت ایران و ترکمنستان؛ آسیای مرکزی در مدار ترانزیت ایران

گزارش

تجارت ایران و ترکمنستان در سال ۱۴۰۵ با تمرکز بر انرژی، ترانزیت و تجارت مرزی وارد مرحله تازه‌ای شده، اما مشکلات بانکی و فاصله ۵۰۴ میلیون دلاری تجارت با هدف ۳ میلیارد دلاری همچنان پابرجاست. روابط اقتصادی ایران و ترکمنستان در حالی وارد مرحله تازه‌ای از همکاری شده که تجارت دو کشور همچنان با فاصله قابل توجهی از ظرفیت‌های موجود حرکت می‌کند. آخرین آمار تفصیلی منتشرشده از تجارت کالایی دو کشور مربوط به ۹ ماهه ۱۴۰۴ است، اما تحولات سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد انرژی، ترانزیت، تجارت مرزی و خدمات فنی و مهندسی در حال تبدیل شدن به محورهای جدید همکاری تهران و عشق‌آباد هستند.

روابط اقتصادی ایران و ترکمنستان رانمی‌توان صرفاً بر اساس رقم تجارت کالا ارزیابی کرد. دو کشور حدود هزار کیلومتر مرز مشترک دارند و ایران برای ترکمنستان مسیر دسترسی به خلیج فارس و بازارهای جهانی محسوب می‌شود؛ در مقابل، ترکمنستان نیز برای ایران یکی از مسیرهای مهم ارتباط با آسیای مرکزی و منبعی برای تأمین بخشی از انرژی مورد نیاز کشور است.

با این حال، حجم تجارت فعلی هنوز با هدف گذاری دو کشور فاصله دارد. در هجدهمین نشست کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی ایران و ترکمنستان که اردیبهشت ۱۴۰۴ در تهران برگزار شد، دو طرف علاوه بر تجارت، موضوعاتی مانند حمل‌ونقل، انرژی، کشاورزی، صنعت، سرمایه‌گذاری، استانداردها و ایجاد مناطق تجاری مرزی را بررسی کردند و برای دوره ۲۰۲۶ تا ۲۰۲۸ نیز بر افزایش مبادلات تجاری تأکید شد.

نکته مهم در بررسی وضعیت فعلی آن است که آمار تفصیلی تجارت ایران و ترکمنستان برای سال ۱۴۰۵ هنوز به صورت عمومی منتشر نشده است؛ با این حال، آخرین داده گمرکی موجود نشان می‌دهد صادرات غیرنفتی ایران به ترکمنستان در ۹ ماهه ۱۴۰۴ به ۴۹۵ میلیون دلار رسیده بود. در سال ۱۴۰۵، با وجود تشدید محدودیت‌های تجارت خارجی ایران، مبادلات دو کشور همچنان ادامه دارد و تمرکز روابط اقتصادی بیش از گذشته بر انرژی، ترانزیت، تجارت مرزی و تسهیل سازوکارهای مالی قرار گرفته است.

در همین دوره، مجموع تجارت غیرنفتی دو کشور حدود ۵۰۴ میلیون دلار و ۱.۱۹ میلیون تن بود؛ یعنی ارزش تجارت نسبت به ۹ ماهه سال قبل حدود ۱۹ درصد افزایش یافت. اقلام صادراتی ایران عمدتاً شامل محصولات کشاورزی و غذایی، کالاهای صنعتی، ترانسفورماتورها، کولرهای آبی و محصولات پتروشیمی بود. باید توجه کرد که بازار ترکمنستان برای کالاهای ایرانی همچنان فعال است و صادرات در مسیر رشد را داشته. اما اندازه این بازار هنوز با هدف ۳ میلیارد دلار تجارت سالانه که از سوی دو طرف مطرح شده، فاصله زیادی دارد.

چرا ترانز تجاری به نفع ایران است؟

ساختار تجارت دو کشور به شکل محسوسی به نفع ایران است. ایران طی سال‌های اخیر حجم قابل توجهی کالای ترکمنستان صادر کرده، در حالی که واردات ایران از این کشور بسیار محدودتر بوده است.

اخبار



مجیدی:

بانک گردشگری در پرداخت تسهیلات تکلیفی و توسعه ابزارهای تأمین مالی پیشتاز است

رضا مجیدی، عضو هیات مدیره و قائم مقام بانک گردشگری، با اشاره به عملکرد بانک در حوزه اعتباری گفت: بانک گردشگری در اجرای تمامی تعهدات ابلاغی خود در این حوزه پایبند بوده و در برخی موارد، فراتر از سهمیه‌های تعیین شده عمل کرده است. این بانک در سال گذشته برای ایجاد بیش از ۶۰۰ شغل تسهیلات اشتغال زایی پرداخت و میزان تسهیلات ودیعه مسکن را بیش از دو برابر سال قبل افزایش داد. تأمین مالی ساخت هزار واحد مسکونی در پروژه الغدیر منطقه ۱۸ تهران و ۳۱۰ واحد مسکونی در تبریز نیز از دیگر اقدامات بانک در حوزه مسکن بوده است.

قائم مقام بانک گردشگری با اشاره به رویکرد بانک در توسعه ابزارهای نوین تأمین مالی زنجیره‌ای اظهار کرد: بانک با تمرکز بر ابزارهایی همچون برات الکترونیک و اوراق گام، در شش ماهه نخست سال جاری بیش از ۲.۵ برابر کل سال قبل اوراق گام صادر کرده و با توجه به برنامه‌ریزی انجام شده، برای افزایش سقف مجاز استفاده از این ابزارها، درخواست خود را به بانک مرکزی ارائه کرده است. وی ادامه داد: در همین بازه، حجم ضمانت‌نامه‌های صادرشده بیش از دو برابر کل ضمانت‌نامه‌های صادرشده در سال گذشته و میزان گشایش اعتبار اسنادی داخلی نیز نزدیک به دو برابر کل سال قبل بوده است.



پیش فروش پروژه «نگین افق نیایش» به زودی آغاز می‌شود

به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، محمدی، مدیرعامل پروژه نگین افق نیایش، با اشاره به روند اجرای این پروژه اظهار کرد: عملیات اجرایی ساختمان اداری و تجاری نگین افق نیایش از زمستان سال ۱۳۹۲ و با آغاز عملیات خاک برداری در زمینی به مساحت ۱۵ هزار و ۷۹۷ مترمربع آغاز شده و این پروژه با زیربنای حدود ۲۲۰ هزار مترمربع، شامل ۲۸ طبقه، ۱۰ طبقه زیرزمین، همکف و ۱۷ طبقه روی همکف است. تاکنون اجرای حدود ۹۰ هزار مترمربع از اسکلت بتنی پروژه به پایان رسیده و پیشرفت فیزیکی اسکلت آن به حدود ۸۶ درصد رسیده است. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، پیش‌بینی می‌شود عملیات اجرایی اسکلت پروژه در زمستان ۱۴۰۵ به پایان برسد.

وی افزود: بخش قابل توجهی از تأسیسات مکانیکی و الکتریکی در طبقات زیرزمین تکمیل شده و تأمین تجهیزات کلیدی از جمله تجهیزات موتورخانه، سیستم‌های اطفای حریق و مدیریت دود، چیلرها و دیزل ژنراتورها نیز انجام شده یا در حال انجام است. محمدی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای عرضه پروژه گفت: همزمان با پیشرفت عملیات اجرایی، اقدامات مربوط به برندسازی، هویت بصری، تبلیغات و بازاریابی در حال انجام است و با راه‌اندازی گالری فروش و تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز، پیش فروش پروژه نگین افق نیایش به زودی آغاز خواهد شد.

مسیرهای زمینی ایران چقدر از فشار محاصره دریایی آمریکا می‌کاهد؟

محدود شدن تجارت دریایی ایران، بخشی از جریان واردات و صادرات کشور را به مرزهای زمینی منتقل کرده است. بر اساس آمار فایننشال تایمز، واردات ایران از گذرگاه بازرگان -گوربولاغ طی پنج ماه ۲۵ درصد افزایش یافته و تجارت با ترکیه نیز در نیمه نخست سال ۱۹ درصد رشد کرده است. استفاده بیشتر از خطوط ریلی، مرزهای شرقی و بنادر دریای خزر نیز نشان می‌دهد جغرافیای زمینی ایران به یکی از ابزارهای حفظ تجارت در برابر محاصره دریایی تبدیل شده است. هرچند صف‌های چند کیلومتری کامیون‌ها، هزینه بالاتر حمل و ظرفیت محدود ترانزیت‌ساخت‌ها اجازه نمی‌دهد این مسیرها به‌طور کامل جای تجارت دریایی را بگیرند.

به گزارش مسیر اقتصاد، پیش از آغاز محاصره دریایی، بیش از ۸۰ درصد از حدود ۱۸۰ میلیون تن تجارت سالانه ایران از مسیر دریا انجام می‌شد. بنابر این محدود شدن فعالیت بنادر جنوبی یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار اقتصادی آمریکا بر ایران محسوب می‌شود؛ فشاری که هدف آن کاهش صادرات غیرنفتی و دشوارتر کردن تأمین کالاهای وارداتی است. اما طی ماه‌های اخیر بخشی از تجارت ایران به سمت مرزهای زمینی حرکت کرده است. ایران با هفت کشور مرز زمینی دارد و از طریق ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی به شبکه‌های تجاری پیرامونی متصل است. افزایش استفاده از این مسیرها باعث شده سهم بیشتری از کالاهایی که پیش‌تر از بنادر جنوبی وارد می‌شدند، با کامیون و قطار به کشور برسند. نمونه روشن این تغییر در مرز بازرگان دیده می‌شود. بر اساس گزارش فایننشال تایمز، حجم واردات ایران از گذرگاه گوربولاغ ترکیه به بازرگان طی پنج ماه منتهی به میانه آگوست ۲۵ درصد افزایش یافته است و روزانه حدود ۵۰۰ کامیون از این مسیر وارد ایران می‌شوند. تجارت دوطرفه ایران و ترکیه نیز در نیمه نخست سال جاری با رشد ۱۹ درصدی به حدود ۳.۲ میلیارد دلار رسیده است. افزایش حجم بار در این مسیر تا اندازه‌ای بوده که صف کامیون‌ها در نزدیکی مرز گوربولاغ در مقطعی به حدود ۷ کیلومتر رسیده است. تغییر مسیر تجارت به مرز ترکیه محدود نمانده است. ایران هم‌زمان استفاده از خطوط ریلی متصل به پاکستان، افغانستان، ترکمنستان و آسیای مرکزی را افزایش داده و تجارت از طریق دریای خزر نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

انجام شده با ترکمنستان، در مدیریت محدودیت‌های شبکه

و افزایش ظرفیت واردات نقش داشته است.

این روند نشان می‌دهد رابطه اقتصادی تهران و عشق‌آباد در حال حرکت از تجارت صرفاً کالایی به سمت مبادلات انرژی، خدمات فنی و مهندسی و همکاری زیرساختی است. حتی در نشست کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور نیز ساخت بخش ترکمنی خط انتقال برق ماری -مشهد، صادرات برق ترکمنستان به ایران و انتقال گاز ترکمنستان از مسیر ایران به کشورهای ثالث در قالب سوآپ مورد توجه قرار گرفته بود.

ترانزیت: زمینی که هنوز به اندازه ظرفیتش فعال نشده است

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های ایران برای ترکمنستان، موقعیت ترانزیتی است. ترکمنستان از طریق ایران می‌تواند به بنادر جنوبی و بازارهای خلیج فارس دسترسی پیدا کند و ایران نیز می‌تواند از مسیر ترکمنستان به شبکه حمل‌ونقل آسیای مرکزی متصل شود. در این میان، کریدور قزاقستان - ترکمنستان - ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. مقام‌های ایرانی نیز این مسیر را یکی از ظرفیت‌های مهم توسعه همکاری با قزاقستان و کشورهای آسیای مرکزی دانسته‌اند. همچنین فعال سازی مسیر ریلی

چین - قزاقستان - ترکمنستان - ایران می‌تواند جایگاه ایران را در حمل کالای میان شرق آسیا و آب‌های جنوبی تقویت کند. فعال سازی مسیر ریلی چین - قزاقستان - ترکمنستان - ایران می‌تواند جایگاه ایران را در حمل کالای میان شرق آسیا و آب‌های جنوبی تقویت کند. این موضوع برای استان گلستان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اینچیزه برون می‌تواند به یکی از نقاط اصلی پیوند ایران با شبکه ریلی و تجاری آسیای مرکزی تبدیل شود. ایجاد

زیرساخت‌های لجستیکی، انبارداری، پایانه‌های صادراتی و خدمات حمل‌ونقل در این منطقه، ظرفیت تجارت با ترکمنستان را به تجارت با قزاقستان و دیگر کشورهای منطقه پیوند می‌دهد. تحولات سال ۱۴۰۵ نیز نشان می‌دهد بحث مناطق تجاری مرزی همچنان روی میز دو کشور است. در پایان مردادماه، در جریان مذاکرات مقام‌های ترکمنستان و ایران در گلستان، موضوع

اجرای طرح منطقه تجاری مشترک در چارچوب ابتکار همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای مطرح شد؛ طرحی که هدف آن افزایش تجارت مرزی، توسعه ترانزیت، جذب سرمایه‌گذاری و تقویت اتصال منطقه‌ای عنوان شده است.

مشکل بانکی؛ حلقه مفقوده تجارت

با وجود رشد صادرات، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه تجارت ایران و ترکمنستان همچنان به حوزه پول، انتقال ارز و سازوکارهای بانکی مربوط می‌شود. فعالان بخش خصوصی می‌توانند در تجارت میان دو کشور در بسیاری از موارد با روش‌های سنتی انجام می‌شود و نبود یک ارتباط بانکی

مستقیم و پایدار، هزینه و ریسک معاملات را افزایش می‌دهد. این مسئله فقط به پرداخت پول کالا محدود نیست؛ صادرکننده باید بتواند درآمد حاصل از صادرات را در چارچوب مقررات ارزی به کشور بازگرداند و در مقابل، واردکننده نیز امکان پرداخت مطمئن و سریع وجه را داشته باشد.

در چنین شرایطی، هرگونه تأخیر در انتقال ارز الزاماً به معنای تخلف صادرکننده نیست و ممکن است محدودیت‌های انتقال پول، سازوکارهای بانکی و شرایط کشور مقصد در آن نقش داشته باشد. ایجاد مسیرهای رسمی، شفاف و قابل پیش‌بینی برای تسویه معاملات یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند تجارت دو کشور را از روش‌های پرهزینه فعلی خارج کند.

تهدارزی: ضرورت تفکیک صادرکنندگان

یکی دیگر از مسائل مورد توجه بخش خصوصی، نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات است. در تجارت با ترکمنستان، به‌ویژه برای کالاهای کشاورزی، غذایی و برخی محصولات صنعتی، باید میان صادرکنندگانی که از حمایت‌ها و منافع ارزی خاص استفاده می‌کنند و صادرکنندگانی که بدون دریافت حمایت ارزی فعالیت دارند، تفاوت قائل شد. اگر صادرکننده به دلیل مشکلات انتقال پول با محدودیت‌های بانکی نتواند در زمان تعیین شده ارز را منتقل کند، برخورد یکسان با تمام موارد می‌تواند به کاهش انگیزه صادرات منجر شود. به همین دلیل، ایجاد سازوکارهای مشخص برای تهاتر، واردات در مقابل صادرات، تسویه تجاری و سایر روش‌های قانونی می‌تواند بخشی از این مشکل را کاهش دهد.

بخش خصوصی: نمایشگاه‌ها و خدمات فنی

تجارت ایران و ترکمنستان تنها به مبادله کالا محدود نیست. برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی و حضور شرکت‌های ایرانی در شهرهای مختلف ترکمنستان یکی از ابزارهای معرفی کالا و ایجاد ارتباط مستقیم میان فعالان اقتصادی دو کشور بوده است. در سال ۱۴۰۴، نخستین نمایشگاه تخصصی

توانمندی‌های صادراتی ایران در استان بالکان ترکمنستان با حضور بیش از ۸۰ شرکت از گلستان و استان‌های دیگر برگزار شد و حدود ۱۵۰ فعال اقتصادی رویدادهایی نشان می‌دهد ظرفیت بخش خصوصی برای توسعه بازار وجود دارد، هرچند هنوز به شبکه منظم و دائمی توزیع و فروش تبدیل نشده است.

در حوزه خدمات فنی و مهندسی نیز فرصت‌های قابل توجهی وجود دارد؛ از ساخت و تعمیر نیروگاه و تجهیزات برق گرفته تا پروژه‌های عمرانی، جاده‌ای، صنعتی و زیرساختی.



یکی از پایدارترین بخش‌های تجارت ایران و ترکمنستان، محصولات غذایی و کشاورزی است. نزدیکی جغرافیایی، هزینه پایین تر حمل و نقل نسبت به بازارهای دور دست و نیاز به بازارهای دور دست و نیاز بازار ترکمنستان به برخی محصولات ایرانی، مزیت مهم صادرکنندگان ایرانی محسوب می‌شود

ضعف و مجوزی برای ایجاد خطاهای محاسباتی جدید خواهد بود، ضمن اینکه طرف غربی، قطعا از این حضور در مدیریت بازار انرژی و مالی به سود خود بهره خواهد برد و همین مسائل باعث گردیده که حتی برخی از چهره‌های سیاسی همسوی دولت نیز بر این سفر هزینه‌زا نقد‌هایی را مطرح نمایند؛ و حال آن که دولت و دستگاه دیپلماسی اصرار بر انجام چنین سفر هزینه زایی دارند، بایسته است که حضور ایشان در این عرصه، با یک پروتکل دیپلماتیک حساب‌شده‌ی نهاجمی و مختص زمان جنگ و با اقتدار و ادبیاتی مستحکم بوده و از ورود به میزهایی که در آن، هزینه‌های سنگین امنیتی کشور صرف مدیریت بازارهای غربی خواهد شد، امتناع نمایند. دیپلماسی حرفه‌ای، هنر حضور در هرتریبونی نیست، بلکه هنر تحمیل اراده به طرف مقابل در نقاط عطف تصمیم‌گیری است. اگر قرار است میز مذاکره‌ای چیده شود، باید «تحریم» و «امنیت منطقه‌ای» در یک کفه قرار گیرند؛ در غیر این صورت، این مسیر نیز همچون گذشته، به تکرار تاریخ و افزایش هزینه‌های امنیت ملی و خرج کردن واز دست دادن مجدد دستاوردهای میدان، منتهی خواهد شد.

و عدم ترک اعتراضی مجمع توسط نماینده ایران در سازمان ملل در هنگام یابوه‌گویی‌ها به تهدید ایران توسط رئیس‌جمهور جنایتکار آمریکا، اثرات منفی سیاسی هزینه‌زایی را در فضای داخلی و خارجی به زیان ایران ایجاد نمود و نیز انتشار اخبار و تصاویری مبنی بر بازیگری و مذاکره مقامات آمریکا با مقامات ایرانی مخصوصا گفت‌وگوی ویتکاف با آقای عراقچی در حاشیه مجمع، به سرعت آثار منفی کاهشی‌ای را در قیمت انرژی به سود آمریکا، روز نخست از این سفر غیر حساب شده و هزینه زامی باشد.

نتیجه‌گیری و راهبرد اجرایی

سخن آخر اینکه، دل بستن و چشم دوختن به نیویورک به امید یافتن کلید صلح و ثبات و استیفاقی حقوق کشور ایران در آنجا، خوش خیالی محض و یک ساده‌لوحی سیاسی می‌باشد. نباید فراموش کرد، در شرایط کنونی که با وجود توفیقات ایران در میدان، محاصره ظالمانه و نیز تهدیدات بی سابقه و گستاخانه دشمن علیه ما ادامه دارد، حضور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سطح بالاترین مقام اجرایی کشور، برای طرف غربی، نه تنها «پیامی حاکی از صلح طلبی ندارد»، بلکه به مثابه سیگنال

بلکه در عمل نیز باعث تشدید رویکرد خصمانه غرب علیه ایران و در نتیجه افزایش تحریم و فشارهای سیاسی گردید. سفرهای دوران دولت یازدهم و دوازدهم؛ اتکا و دل بستن به نیویورک برای دستیابی به «توافق»، در دوره دولت یازدهم و دوازدهم نیز نهایتا منجر به ایجاد وضعیتی گردید که در آن، طرف مقابل با استفاده از اهرم «پایبندی بدون منطلق ایران به تعهدات»، فشار اقتصادی را حفظ نموده و در نهایت با یک امضاء، تمامی دستاوردهای ظاهری دیپلماتیک مربوطه را خشتی نمود. نتیجه تاریخی این سفرها ثابت کرده‌اند که نیویورک برای ایران، هیچ‌گاه به‌صورت واقعی «محل مذاکره» نبوده، بلکه «محل» برای چانه‌زنی یک طرفه» و کسب منافع برای غرب بوده است. هر بار که مقام ارشد ایرانی با به آنجا گذراده، غرب آن را نه به عنوان «تعیال به صلح»، بلکه به مثابه استیصال و چراغ سبز برای فشار بیشتر، تعبیر نموده است که نهایتا حاصلی غیر از افزایش فشار، تحریم و رویکرد خصمانه علیه ایران نداشته.

مخصوصا اینکه این موضوع در مقطعی با اقدامات و ادبیات دیپلماتیک غیر حساب شده و منفعلانه برخی مقامات ایرانی، تشدید گردیده است. همچنان که انتشار تصاویری از انفعال ایران و در نتیجه افزایش تحریم و فشارهای سیاسی گردید. سفرهای دوران دولت یازدهم و دوازدهم؛ اتکا و دل بستن به نیویورک برای دستیابی به «توافق»، در دوره دولت یازدهم و دوازدهم نیز نهایتا منجر به ایجاد وضعیتی گردید که در آن، طرف مقابل با استفاده از اهرم «پایبندی بدون منطلق ایران به تعهدات»، فشار اقتصادی را حفظ نموده و در نهایت با یک امضاء، تمامی دستاوردهای ظاهری دیپلماتیک مربوطه را خشتی نمود. نتیجه تاریخی این سفرها ثابت کرده‌اند که نیویورک برای ایران، هیچ‌گاه به‌صورت واقعی «محل مذاکره» نبوده، بلکه «محل» برای چانه‌زنی یک طرفه» و کسب منافع برای غرب بوده است. هر بار که مقام ارشد ایرانی با به آنجا گذراده، غرب آن را نه به عنوان «تعیال به صلح»، بلکه به مثابه استیصال و چراغ سبز برای فشار بیشتر، تعبیر نموده است که نهایتا حاصلی غیر از افزایش فشار، تحریم و رویکرد خصمانه علیه ایران نداشته.

سفر به نیویورک؛ تریبون اقتدار، یا تله امتیازگیری واشگتن؟

ادامه از صفحه اول

القای بحران در بازار داخلی؛ از منظر اقتصاد سیاسی، هرگونه سفر دیپلماتیک مخصوصا در سطوح بالای مقامات سیاسی در شرایط تحریم، بازار داخل را دچار «توهم توافق» می‌نماید. این نوسانات روانی، قطعا هزینه‌ی سنگینی بر اقتصاد ایران تحمیل خواهد کرد؛ چراکه «انتظارات تورمی» را بدون هیچ دستاورد ملموسی (رفع تحریم) بالا خواهد برد.

واکوی سوابق تاریخی

تجربه‌های پیشین نشان می‌دهد که حضور در نیویورک برای ایران، همواره «هزینه‌زا» بوده و هیچ‌گاه دستاورد ملموس و واقعی‌ای برای کشور در پی نداشته است.

پرونده‌ی گفت‌وگوی تمدن‌ها (دوران اصلاحات)؛ بازخوانی سابقه تاریخی حاکی از این است که با وجود فضای مثبت جهانی در آن زمان، خروجی تفکر ساده‌انگارانه گفت‌وگوی تمدن‌ها در دولت اصلاحات برای کشور، عملا هیچ بوده است که نهایتا در برابر دهم‌دهی‌های غرب (پس از سال ۲۰۰۱) نه تنها نتوانست هیچ حفاظتی از منافع ملی نماید،